

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده: جاوید
۰۸ می ۲۰۲۱

(غم دیگر)

شنیدستم غم را میخوری، این هم غم دیگر
به دل، هر راز گفتم، بر لب آوردش دم دیگر
نگشتی آتش خشمش تمام و، زود خشکید
مرا گفתי دم آخر ببینی، دیر شد، باز
ز بیرحمی، نماید تیر خود را هم، دریغ از دل
جهانی را پریشان کرد، از آشفتن یک مو
به جان دوست، غیر از درد دوری از دیار خود
دلت بر ماتم می سوزد، این هم ماتم دیگر
چه سازم، تا به دست آرم جز این دل، محرم دیگر؟
کمی مانده است از او، ای دیده قربانت، نم دیگر!
که ترسم حسرت این دم، بر عالم دیگر
که داند زخم او را، نیست جز این، مرهم دیگر
معاذانه، اگر بگشاید از گیسو، خم دیگر!
در این دنیا ندارد جان لاهوتی غم دیگر

ستانبول، جنوری ۱۹۱۹